



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۱۷۵-۱۶۱

سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان

عباس شیری^۱

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۳۰)

چکیده

برقراری نظم و امنیت از مهم‌ترین اهداف دولت در جامعه است که بدون تحقق آن‌ها، امکان اجرای برنامه‌های دولت در اقتصاد، صنعت، کشاورزی، فرهنگ و ... فراهم نخواهد شد. در پرتو تأمین امنیت امکان تحقق ارزش‌های مورد حمایت دولت در تحقق عدالت و آزادی نیز میسر می‌شود. سیاست‌گذاری‌های جنایی به عنوان شاخه‌ای از سیاست‌گذاری‌های عمومی به برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای برای تحقق امنیت مورد نظر دولت می‌پردازد. در گذشته، محور سیاست‌گذاری‌های جنایی، تعقیب و مجازات بزهکاران بود ولی، تولد و تحولات مطالعات بزه‌دیده‌شناسی رفته رفته، توجه به حقوق بزه‌دیدگان را از محورهای مهم سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار داده است. سیاست‌گذاری‌های جنایی، مجموعه‌ای از تدابیر پیش‌گیرانه، تنبیهی و ترمیمی در رابطه با پدیده بزهکاری است. جبران آسیب‌های ناشی از جرم برای بزه‌دیدگان و قربانیان از محورهای مهم سیاست‌گذاری‌های جنایی امروزی است. بدون جبران این آسیب‌ها، نظام‌های عدالت کیفری در تحقق اهداف مورد نظر دولت‌ها ناکام خواهند بود. برای تبیین این اهداف، مفهوم سیاست جنایی و سیاست‌گذاری جنایی و متعاقباً حقوق بزه‌دیدگان، براساس سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، قانون برنامه پنج ساله ششم و قانون بودجه ۱۳۹۷ بحث خواهد شد.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بزه‌دیده، سیاست‌گذاری جنایی، سیاست‌های کلی نظام، داوری، میانجی‌گری، دادخواهی.

مقدمه

برای پاسخ‌دهی به بزهکاری و جبران آسیب‌های ناشی از جرم، مجموعه‌ای از سیاست‌ها به کار گرفته می‌شود. نظام‌های عدالت کیفری، معمولاً مجازات بزهکار را محور اصلی سیاستگذاری‌های جنایی خویش قرار می‌دهند. سزادهی و بازدارندگی دو هدف اصلی مجازات‌ها هستند. بازپروری و اصلاح بزهکاران، هدف دیگری است که دور از نظر قرار نمی‌گیرد. ولی، سیاست‌های تنبیهی صرف نتوانسته پاسخ مناسبی برای جرم باشد. تحولات بزه‌دیده‌شناسی^۱ در چند دهه گذشته به ویژه در حوزه عدالت ترمیمی تغییر جهت مهمی در سیاستگذاری‌های جنایی ایجاد نموده است.^۲ «همانند بزهکاری، بزه‌دیدگی نیز موضوعی قابل توجه در سیاستگذاری جنایی است، به ویژه آن‌که وجود آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی نقش مؤثری در افزایش نرخ بزهکاری نیز ایفاء می‌کند.» (غلامی، ص ۶، ۱۳۹۰) بزه‌دیده یا قربانی جرم، کسی است که از وقوع جرم آسیب‌های مادی یا معنوی دیده و متحمل ضرر و زیان می‌گردد. در ماده یک بیانیه «اصول پایه درباره بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^۳ آمده است: «منظور از بزه‌دیدگان، کسانی هستند که به طور فردی یا جمعی، مورد آسیب بدنی یا روانی، آسیب معنوی، ضرر اقتصادی یا آسیب قابل توجه به حقوق بنیادی شان قرار گرفته‌اند و این را از طریق فعل یا ترک فعل‌هایی که در نقض حقوق کیفری قابل اجراء در میان دولت‌های عضو می‌باشد، متحمل شده‌اند و این قوانین هم‌چنین شامل آن دسته قوانینی است که سوء استفاده بزهکارانه از قدرت را منع می‌کند.»

۱- برای آگاهی از این تحولات رک.

— برجس، آن ولبرت — رگر، چریل — رابرتس، آلبرت آر: بزه‌دیده‌شناسی؛ نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، نشر میزان.

— درنز، جی، ویلیام: بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه دکتر عباس شیری، مندرج در کتاب دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم، جلد دوم، صص ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۸، مرکز تحقیقات پیش‌گیری از جرم، ترجمه: زیر نظر دکتر علی‌حسین نجفی ابرنآبادی، نشر میزان، ۱۳۹۳.

— شیری، عباس: عدالت ترمیمی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۱۹ تا ۲۴۲، نشر میزان، ۲- برای مطالعه بیشتر در این باره رک.

فتاح، عزت: «از سیاست مبارزه بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده» (ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنایی کنونی)، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی — سوسن خطاطان، مجله قضایی — حقوقی دادگستری، سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۷۱، صص ۸۵ تا ۱۱۲.

3- Declaration of Basic Principle on Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, 1985, General Assembly resolution 40/34, 29 November 1985.

این بیانیه به موجب قطع نامه شماره ۴۰/۳۴ مورخ ۱۹۸۵، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و از طریق آدرس زیر قابل دسترسی می‌باشد:

<http://www.victimology/n1pub/declar/declar.htm>

اهمیت بیانیه فوق در سیاستگذاری موجب گردید که دفتر

UNOPCCP (United Nations Office for Drug Control and Crime Preention) اقدام به انتشار دفترچه راهنمایی برای سیاست‌گذاران در خصوص سند یاد شده بنماید. مشخصات کتابچه یاد شده بدین شرح است:

Guide for POLICY MARKERS, On the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principle on Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, UNOPCCP, new York, 1999 .

این راهنما با مشارکت بیش از چهل نفر از کارشناسان توسط دفتر بزه‌دیدگان در وزارت دادگستری آمریکا و هلند تهیه شده و با همکاری دفتر سازمان ملل متحد در وین، مرکز پیش‌گیری از جرایم بین‌المللی، دفتر کنترل مواد مخدر و پیش‌گیری از جرم و دفتر بزه‌دیدگان وزارت دادگستری آمریکا منتشر شده است. این راهنما، برای سیاست‌گذاران تهیه شده تا در سیاستگذاری‌های عمومی مورد توجه قرار گیرد.

در تعریف یاد شده، جرم، آسیب به دیگری قلمداد می‌گردد، در حالی که، اندیشه‌های سنتی، جرم را نقض ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دانسته و برای آن جنبه عمومی قائل است و تمایلی به در نظر گرفتن حق مستقلی برای بزهدیدگان نیست. «بزه‌ها، علیه دولت و در کل، علیه جامعه ارتکاب یافته است، یعنی تعقیب‌های قانونی، به نام پادشاه انجام شده، نه بزهدیده؛ زیرا بزهدیدگان مسئولیتی در بررسی موضوع و تعقیب قانونی متهم ندارند.» (Dignan, P.62, 2005)

کانت^۱ و اکثر فیلسوفان سزاگرا همین اندیشه را درباره جرم داشته‌اند. ولی نمی‌توان، آثار جرم را محدود به آسیب‌های عمومی دانست و حقوق بزهدیدگان را نادیده انگاشت. «بزه‌ها آسیبی تعریف می‌شود که بزهدیده متحمل شده است، اقدام نخستین و اولین واکنش علیه آن، اصلاح یا جبران آسیب است.» (Dolinko, 320, 2003) در تعریف جرم باید تجدیدنظر جدی صورت گیرد و جبران آسیب‌های ناشی از جرم را هم در تبیین مفهوم جرم، در نظر گرفت. «بزه، یا آسیب وارده به بزهدیده و اقدام اولیه‌اش نسبت به چگونگی برخورد با مرتکب و حتی بازپروری او تعریف نمی‌شود، بلکه با ترمیم و جبران آسیب ناشی از بزهکاری تعریف خواهد شد.» & (Bazemore Walgrave, P.45, 1999) این رویکرد مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار، یکی از اهداف آیین دادرسی کیفری را رعایت حقوق بزهدیده^۲ عنوان کرده است. در ماده ۲ همان قانون مقرر داشته که: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند...» مطابق ماده ۹ قانون یاد شده: «ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود:

الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزهدیده است مانند حق قذف و قصاص.»

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز، برای اولین بار به استفاده از واژه بزهدیده پرداخت و آن را بدین شرح تعریف کرد: «بزهدیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد...» مواد متعددی از قانون یاد شده به حقوق بزهدیده در مراحل مختلف فرآیند عدالت کیفری اختصاص داده شده و گفتمان جدیدی را در حوزه سیاست جنایی ایجاد نموده است.^۳ در این خصوص مواد ۱۳، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۶۲، ۶۶ و ۴۸۳ و ... حقوقی برای بزهدیدگان

۱- کانت نیز در تعریف جرم، فقط به جنبه عمومی آن توجه دارد: «تجاوز از قانون عمومی، که اگر کسی مرتکب آن شود، از حق شهروندی محروم می‌شود، عموماً جرم نامیده می‌شود.» (کانت، ۱۹۱، ۱۳۸۰)

۲- در گذشته، مقررات آیین دادرسی کیفری، ناظر به حقوق جامعه و حق متهم در مراحل دادرسی بوده است. به همین جهت، در حالی ماده یک قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری سال ۱۳۷۸ مقرر داشته بود: «آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تعقیب جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع می‌شود.» در ماده یاد شده هیچ‌گونه جایگاهی برای بزهدیده در نظر گرفته نشده بود.

۳- برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک:



در مراحل مختلف دادرسی در نظر گرفته است. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نیز تحولات مهمی را درباره حقوق بزه‌دیده ایجاد نموده است.^۱ از جمله می‌توان به مواد ۳۸، ۴۰، ۴۶، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۵۵، ۲۶۸، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۵ و ۴۱۸ و ... اشاره کرد. قانون مجازات اسلامی تحت تأثیر موازین فقهی و تفکیک جرایم به حقّ الله و حقّ الناس^۲، به حقوق بزه‌دیده توجه خاصی به‌ویژه در جرایم تعزیری و جنایات (اعم از عمدی و غیرعمدی) نموده است. ولی از منظر سیاستگذاری جنایی، کماکان حقوق بزه‌دیده مغفول مانده و کمتر به آن توجه شده است. فارغ از بحث‌های نظری درباره مبنا و ساختارهای سیاسی و اجتماعی سیاستگذاری جنایی^۳، این نوشتار فقط به تبیین موضوع در حوزه حقوق بزه‌دیدگان خواهد پرداخت. پرسش اصلی این نوشتار این است که چه تدابیر و سیاست‌هایی درباره حقوق بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری وجود دارد؟ در این مقاله، ابتدا به بحث در باره مفهوم سیاستگذاری عمومی و سیاستگذاری جنایی خواهیم پرداخت و سپس سیاستگذاری جنایی در باره حقوق بزه‌دیدگان را براساس سیاست‌های کلی ابلاغ شده نظام، سند چشم‌انداز ۲۰۲۰، ساله قانون برنامه توسعه ششم و قانون بودجه ۱۳۹۷ تبیین خواهیم نمود.

الف) از سیاستگذاری عمومی تا سیاستگذاری جنایی

سیاستگذاری عمومی برخاسته از علم سیاست است. دانشمندان علوم سیاسی، رفته رفته برای افزایش کارآمدی دولت و انجام بهتر وظایف دولت، رشته سیاستگذاری عمومی را بنیان نهادند.^۴

نجفی ابرنآبادی، علی حسین: گفت‌مان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، مندرج در: «حج اندیشه؛ هم افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسان، مجموعه نویسندگان، به کوشش نعمت‌اله الفت، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۹۶.

۱- در مقدمه لایحه قانون مجازات اسلامی، تحقق حقوق و نیازهای بزه‌دیده به عنوان یکی از اهداف لایحه عنوان شده بود که متأسفانه در هنگام تصویب نهایی آن، حذف گردید.

۲- برای آگاهی در این باره، رک:

شیری، عباس: سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، صص ۱۱۲ تا ۱۲۵، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲.

۳- برای بحث درباره نظریه عمومی سیاستگذاری جنایی، رک: ایروانیان، امیر: نظریه عمومی سیاستگذاری جنایی، با مقدمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ اول، ۱۳۹۲، انتشارات شهردانش.

۴- گسترش رشته سیاستگذاری عمومی در ایران را باید مدیون تلاش‌های اساتید بزرگوار دکتر کیومرث اشتریان، دکتر حمیدرضا ملک محمدی و دکتر مجید وحید، اساتید دانشگاه تهران به سبب ترجمه، تألیف کتب و مقالات متعدد در حوزه سیاستگذاری عمومی دانست. راه‌اندازی رشته و گروه مستقل سیاستگذاری عمومی و انتشار نشریه پژوهشی مستقل در حوزه سیاستگذاری عمومی به وسیله آن بزرگواران گام مهمی در مسیر اعتلای این رشته در ایران برداشته است. امیدوار است با نگارش سلسله مقالات در حوزه سیاستگذاری جنایی، توسط اساتید جرم‌شناسی، گامی دیگر جهت اعتلای این رشته در ایران برداشته شود.

دکتر کیومرث اشتریان درباره دلایل گسترش رشته سیاستگذاری می‌نویسد: «... این امر دو دلیل عمده داشت: نخست فشارهای روز افزون سیاسی - اجتماعی برای استفاده کاربردی از علوم اجتماعی در حل مسائل روزمره‌ای چون فقر، تبعیض نژادی، آلودگی محیط زیست و ... و دوم، ظهور و بروز این نظریه که نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی از قبیل درآمد، تعلیم و تربیت، سطح بیکاری و ... در تصمیم‌گیری‌های دولتی و در سیاستگذاری‌ها بیش از عوامل سنتی مانند گرایش‌های حزبی و ایدئولوژی‌های سیاسی مؤثر است.» (اشتریان، ص ۱۳، ۱۳۹۶).

«وجود یک فرآیند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولتی که با هدف حل یک مسأله عمومی طراحی شده‌اند، سیاستگذاری عمومی نامیده می‌شود.» (ملک محمدی، ص ۲۰، ۱۳۸۳)

موضوع‌های مورد بحث در سیاستگذاری عمومی ناظر به تمامی وظایف دولت‌ها در حکمرانی جامعه است. سیاست‌های دولت در اقتصاد، فرهنگ، کشاورزی، صنعت، محیط زیست، رفاه عمومی، بهداشت و درمان، امنیت، سیاست داخلی و خارجی، آموزش، از سطوح ابتدایی تا عالی و... حوزه مطالعاتی رشته سیاستگذاری عمومی است. این سیاست‌ها به وسیله نهادهای رسمی تقنینی، قضایی و اجرایی صورت می‌پذیرد. «سیاستگذاری‌های عمومی به وسیله نهادهای دولتی و مقامات رسمی در خلال فرآیند سیاسی (یا سیاست‌ها) توسعه می‌یابند. آن‌ها از انواع سیاست‌ها متمایز هستند، زیرا نتیجه اقدام اقتدار آمیز مشروع یک نظام سیاسی است.» (اشتریان، ۲۷، ۱۳۹۶). رفته رفته، مباحث سیاستگذاری عمومی به پدیده بزهکاری هم کشیده شده است. زیرا پدیده بزهکاری مستقیماً بر سایر سیاست‌ها تأثیرگذار خواهد بود، تهدیداتی را علیه امنیت شخصی شهروندان و جامعه ایجاد می‌کند و هزینه‌های عمومی دولت را نیز افزایش می‌دهد. بالعکس سیاست‌های دولت در زمینه رفاه اجتماعی، اشتغال و ... نیز می‌تواند بر نرخ بزهکاری و بزه‌دیدگی تأثیر بگذارد. رابطه دو سویه بین سیاستگذاری عمومی، بزهکاری و بزه‌دیدگی موجب شکل‌گیری رشته مطالعاتی سیاستگذاری جنایی گردیده است. ارتباط سیاستگذاری عمومی با پدیده بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی، در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱ (۱۳۹۶-۱۴۰۰) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مورد توجه قرار گرفته است. برای تبیین دقیق‌تر موضوع ابتدا لازم است مفهوم سیاست جنایی و سپس سیاستگذاری جنایی تبیین گردیده و سپس به بررسی حقوق بزه‌دیدگان براساس سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی نظام پردازیم.

۱- سیاست جنایی^۲

سیاست جنایی دارای دو مفهوم مضیق و موسع است. سیاست جنایی در مفهوم مضیق برای اولین بار توسط فوئر باخ آلمانی در سال ۱۸۰۳ مطرح شده است: «مجموعه‌ی شیوه‌های

۱- منتشره در روزنامه رسمی شماره ۲۰۹۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۱ در بخش ۱۵ قانون یاد شده تحت عنوان بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی مطالب مهم و مرتبط با بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی به نحو مبسوط و قابل توجهی ذکر شده است، هر چند در خصوص حقوق بزه‌دیدگان در قانون مذکور بی‌توجهی شده است.

۲- در ایران واژه سیاست جنایی (Criminal policy) با نام استاد دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی پیوند خورده است. حضرت استاد با ترجمه کتاب «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی» نوشته استاد «می ری دلماس — مارتی» و «درآمدی بر سیاست جنایی» نوشته استاد کریستین لازرژ، گام مهمی در راه شناساندن این رشته مطالعاتی در ایران برداشته است. حضرت استاد، هم‌زمان به تدریس این درس در دانشگاه‌های سراسر کشور پرداخت و ده‌ها مقاله علمی پژوهشی در این حوزه منتشر نمود. ایشان هم‌چنین با راهنمایی ده‌ها پایان‌نامه ارشد و دکترا در این حوزه، موجب باروری این رشته و بومی سازی آن در ایران گردیده است. این جانب، نیز حسب‌الامر استاد، درس «سیاست جنایی» را در دوره دکترا تدریس نمودم که درس‌گفتارهای مربوطه در کانال تلگرام در دسترس عموم قرار گرفته است.

سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.» (نجفی ابرندآبادی، ص ۱۱، ۱۳۹۶). در این تعریف جرم و کیفر با ماهیت تنبیهی مورد توجه قرار گرفته است و در واقع تعریف سیاست کیفری است. لازرژ و دلماس - مارتی سیاست جنایی در مفهوم موسع را مورد توجه قرار دادند و غیر از تمرکز بر جرم، بر انحراف نیز به عنوان مفهومی مستقل در نظام‌های سیاسی لیبرال تأکید کردند. ضمن این‌که پاسخ‌های غیر تنبیهی و واکنش‌های جامعوی به جرم و انحراف نیز مدنظر قرار گرفت. سیاست جنایی در مفهوم موسع خود به مجموعه‌ای از تدابیر و روش‌های تنبیهی و غیر تنبیهی برای پاسخ‌دهی به جرم و انحراف اطلاق می‌شود. این پاسخ‌ها توسط نهادهای رسمی یا غیر رسمی در پاسخ به جرم و انحراف به کار گرفته می‌شود.^۱ بنابراین: «سیاست جنایی، شامل کلیه اقدام‌های سرکوب (کیفری و غیرکیفری) و پیش‌گیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان یافته‌ی یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیش‌گیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند.» (نجفی ابرندآبادی، صص ۱۶ و ۱۷، ۱۳۹۶) تعریف یاد شده سیاست جنایی در مفهوم موسع را در برمی‌گیرد که نسبت به تعریف‌های دیگر جامع‌تر است. سیاست جنایی دارای گونه‌های متعددی است؛ سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و قضایی.^۲ بدین سان، سیاست جنایی محدود به نظام عدالت کیفری نیست، و تمامی قوای سه‌گانه و بخش‌های وابسته آن را شامل می‌شود. لزوماً سیاست‌های کلان در سیاست جنایی مورد بحث نمی‌شود، ممکن است تدابیر اتخاذ شده به وسیله یکی از قوای سه‌گانه، یا بخش‌هایی از پلیس یا مقامات خاص قضایی باشد، در حالی که بخش‌هایی دیگر، سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ نماید.^۳ هر یک از گونه‌های سه‌گانه سیاست جنایی ممکن است اهداف متفاوتی را دنبال کنند که با سایر گونه‌ها، هماهنگی لازم را نداشته باشد. سیاست جنایی تقنینی بر مبنای قوانین جزایی سامان می‌یابد. «سیاست جنایی که از کل شبکه‌های ضمانت اجراها برخوردار

۱- «دور نمای این رشته مطالعاتی به جهات مختلفی توسعه پیدا کرده است: از روش‌های صرفاً سرکوب‌گر به سایر شیوه‌ها، به ویژه شیوه‌هایی که مبتنی بر ترمیم یا میانجی‌گری است؛ از دولت به تمامی هیئت‌اجتماع، مشروط به این که جامعه مدنی پاسخ‌های خود را سازمان دهی نماید. پاسخ‌هایی که مشروعیت آن را گروه یا جامعه پذیرفته باشد و اجازه می‌دهد تا بعضی تجربه‌های مدنی مانند سازمان‌دهی نیروهای شبه پلیسی خصوصی یا شبکه‌های میانجی‌گری نیز در این شیوه گنجانده شوند؛ از واکنش نشان دادن به پاسخ دادن، با این هدف که پاسخ پیش‌گیرانه (پیش از وقوع بزه یا انحراف) نیز بتواند در کنار پاسخ واکنشی (پس از ارتکاب بزه یا انحراف) ایجاد شود؛ و بالاخره از بزه به پدیده جنایی، که هرگونه رفتار فاصله‌گیر از هنجارهای اجتماعی را - چه به صورت بزه باشد و چه به صورت انحراف (کژمداری) شامل می‌شود.» (دلماس - مارتی، صص ۱۰۳ و ۱۰۴، ۱۳۹۵).

۲- برای آگاهی از گونه‌های سیاست جنایی رک:.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «سیاست جنایی»، مندرج در: دانشنامه علوم جنایی، صص ۵۵۴ تا ۵۷۵، به کوشش دکتر امیرحسین نیازپور، چاپ اول، ۱۳۹۶، نشر میزان. لازرژ، کریستین: درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، صص ۱۱۹ تا ۱۸۰، چاپ ششم، ۱۳۹۶، بنیاد حقوقی میزان.

۳- در این صورت نوعی سیاست جنایی متناقض یا حتی نامشخص (به تعبیر استاد دکتر نجفی ابرندآبادی) شکل می‌گیرد. همان‌گونه که در ایران شاهد چنین وضعی در سیاست جنایی و گونه‌های آن هستیم.

است، راهبرد افتراقی محسوب می‌شود که هسته اصلی آن، قانون مجازات است. «لازرژ، ۱۲۰، ۱۳۹۶). در حالی که سیاست جنایی قضایی، براساس تفسیر قضات از قانون، اصول حقوقی و رویه‌های عملی سامان می‌یابد. سیاست جنایی اجرایی نیز به تدابیر ضابطان دادگستری و نیروهای مسلح و فرماندهان و مقامات بالاتر از آن بستگی دارد.

۲- مفهوم سیاستگذاری جنایی

سیاستگذاری جنایی، شاخه‌ای از سیاستگذاری عمومی و دارای ویژگی‌های آن است. «سیاستگذاری عمومی مبتنی بر قانون بوده و اقتدار آمیز است.» (اشتریان، ۲۸، ۱۳۹۶) سیاستگذاری عمومی و جنایی در ایران لزوماً محدود به الزام‌های قانونی نیست. فرمان‌های رهبری، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوانین بالادستی، نظیر برنامه‌های پنج ساله، قانون بودجه، مصوبات شوراهای عالی مانند شورای عالی امنیت ملی، مبنای مبادرت به سیاستگذاری عمومی جنایی در ایران را تشکیل می‌دهند.^۱

سیاستگذاری جنایی، اشاره به تدابیر و راه‌کارهایی درباره پدیده بزهکاری است که به صورت الزام‌آور اتخاذ می‌شود. بنابراین، سیاستگذاری‌های جنایی مبتنی بر قانون یا سیاست‌های کلی نظام و فرمان‌های رهبری است. به دلیل این ویژگی سیاستگذاری‌های جنایی از سیاست‌های جنایی متمایز می‌گردد. در حالی که سیاست جنایی تقنینی محدود به قوانین جزایی است، یا سیاست جنایی قضایی محدود به رویه‌های عملی قضایی و تفسیر قضات است. اهداف سیاستگذاری جنایی با سایر اهداف نظام در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و غیره مرتبط است. به همین جهت در قوانین مختلف به ویژه قوانینی که تبیین کننده سیاست‌های کلان است، پیش‌بینی می‌شود. در قوانین بودجه سالانه، برنامه‌های پنج ساله توسعه سیاسی، اجتماعی فرهنگی، سیاست‌های کلان نظام مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... این سیاستگذاری‌ها صورت می‌پذیرد. در ایران به ویژه در دو دهه گذشته، تمایل به تدوین سیاستگذاری‌های جنایی افزایش یافته است. سیاستگذاری‌های جنایی در مفهوم مضیق، به نظام عدالت کیفری مربوط می‌شود. بدین توضیح که نظام عدالت کیفری، مسئولیت کنترل جرم و مقابله با بزهکاری را بر عهده دارد. «برنامه‌ریزی جنایی در چهارچوب یک نظام عدالت کیفری معنا می‌یابد، بدون وجود چنین نظامی،

۱- به عنوان نمونه، می‌توان به تأسیس دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت توسط رهبری اشاره کرد، یا فرمان رهبری در خصوص رسیدگی به جرایم کارکنان وزارت اطلاعات در سازمان قضایی نیروهای مسلح، که درباره صلاحیت و نوع دادگاه اختصاصی است. پیرو درخواست ۱۳۶۹/۲۰ و متعاقباً نامه شماره ۱۱۶۸-۳۰/۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۹ و وزیر اطلاعات، رهبری رسیدگی به جرایم خاص کارکنان وزارت اطلاعات را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داد. و متعاقباً پیرو تقاضای رئیس سازمان مذکور، رهبری طی نامه شماره ۴۲۹۹/۷۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۰ که از طریق قوه قضائیه ابلاغ شده است، سازمان قضایی نیروهای مسلح را، مجاز به رسیدگی در کلیه جرایم امنیتی پرسنل نیروهای مسلح و جرایم حین خدمت آنان نمود.

به دشواری می‌توان طراحی سیستم‌های پاسخ‌دهی به رفتارهای مجرمانه را تصور نمود.» (ایروانیان، ص ۴۴، ۱۳۹۲).

وجه تمایز سیاست جنایی از سیاستگذاری جنایی را باید ناظر به کلان بودن سیاست‌های جنایی مرتبط با بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی و نظام عدالت کیفری دانست.

ب - سیاستگذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان

تاکنون در ایران اهتمام جدی در جهت سیاستگذاری مرتبط با حقوق بزه‌دیدگان^۱ صورت نگرفته است و صرفاً به برخی از موضوعات مرتبط پرداخته شده است. در فرآیند سیاستگذاری جنایی بزه‌دیده محور، توجه به نیازهای بزه‌دیده در اولویت قرار می‌گیرد، شناسایی این نیازها و توجه به تکالیف و وظایف دولت در برطرف کردن این نیازها و ضمانت اجرای لازم برای آن‌ها تدارک دیده می‌شود. هر چند در سیاست جنایی تقنینی ایران، به حقوق بزه‌دیدگان توجه ویژه‌ای مبذول شده است، ولی در حوزه سیاستگذاری جنایی نارسایی‌های جدی وجود دارد که در بند بعدی بحث می‌شود.

طبق بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» از وظایف و اختیارات رهبر است. این بند اولی و مهم‌ترین موضوع در اختیارات و وظایف رهبری است.

۱- حقوق بزه‌دیده دارای دو گونه اصلی است: حقوق مرتبط با کیفر و نحوه اجرای آن و حقوق مرتبط با جبران آسیب‌های مادی و معنوی ناشی از جرم. حق بزه‌دیده در رابطه با تعیین کیفر و نحوه اجرای آن از تحولات مهم سیاست جنایی در ایران است. در حقوق جزای عرفی سنتی، مجازات حق عمومی و جامعه تلقی می‌شود و بزه‌دیده درباره آن صاحب حق دانسته نمی‌شد، ولی در حقوق جزای اسلامی، این حق به رسمیت شناخته شده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در قوانین متعدد کیفری پذیرفته شد. در آمریکا نیز از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به بعد، جنبش‌های بزه‌دیده به راه افتاد و «اغلب در پی پاسخی مجازاتی‌تر به بزهکاران بودند، و در برخی ایالت‌ها به تقاضا برای حفظ مجازات مرگ یا احیاء دوباره آن، گره خوردند.» (زندر، ص ۸۶۲، ۱۳۹۵)

پذیرش حق بزه‌دیده در تعیین مجازات، مورد قبول اکثر فلاسفه نمی‌باشد. مثلاً کانت معتقد است: «نمی‌توان صرفاً (مجازات) را به عنوان وسیله‌ای برای تحقق خیری به نفع خود مجرم یا جامعه مدنی تلقی کرد؛ فقط باید به این دلیل آن‌را علیه شخص مجرم اعمال کرد که مرتکب جرم شده است.» (کانت، ۱۹۱، ۱۳۸۰)

هگل نیز همین دیدگاه را دارد. (هگل، ۱۳۷، ۱۳۷۸). زبیرت نیز در کتاب خویش مبانی نظری این دیدگاه را تقویت نموده است. (Zaibert, Pp. 66-90, 2006)

به همین جهت قبل از پیروزی انقلاب، نظام حقوقی حاکم بر ایران، حقوق بزه‌دیده در تعیین و اجرای مجازات را به رسمیت نمی‌شناخت و صرفاً با تحقق شرایطی آن را از اسباب سقوط دعوی عمومی عنوان نموده بود. ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی سابق گذشت متصراً از جرم را به عنوان اسباب سقوط دعوی عمومی، مشروط به فقدان سابقه کیفری متهم به محکومیت (جنحه و جنایت)، پیش‌بینی نموده بود.

نیاز به مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای یکی از نیازهای مهم بزه‌دیدگان تلقی می‌شود. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) این حق را درباره بزه‌دیده، رسماً وارد گفتمان سیاست جنایی ایران نمود. مواد ۲۵۵ درباره حد قذف، ۲۶۸ درباره سرقت، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۵، ۴۱۸ و ۴۱۹ درباره حق قصاص، مواد ۳۸ درباره تخفیف مجازات، ۵۸ درباره آزادی مشروط، ۴۶، ۵۱ درباره تعلیق مجازات، ۴۰ درباره تعویق حکم صدور، ۵۶ و ۵۷ درباره نظام نیمه آزادی، ۱۰۷ درباره مرور زمان مجازات، ۶۴ درباره مجازات‌های جایگزین حبس، ماده ۲۵ درباره اثر تبعی مجازات و مجازات‌های تکمیلی، حقوق بزه‌دیده را به رسمیت شناخته است. حقوق مرتبط با حق جبران در بند ۲ مورد بحث قرار می‌گیرد.

«سیاست کلان شامل اجتماع به عنوان یک کل، که معمولاً در تدوین سیاستگذاری عمومی نظیر مبارزه با تورم، عرضه کافی انرژی یا اصلاح نظام رفاهی دخیل هستند، می‌شود.» (اشتریان، ۵۶، ۱۳۹۶). برخی از مصوبات ابلاغ شده مجمع تشخیص مصلحت نظام^۱ به مواردی در ارتباط با بزه‌دیدگان پرداخته است. در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی (۱۳۹۶-۱۴۰۰)^۲ و قانون بودجه سال ۱۳۹۷ نیز مواردی بیان گردیده است که به ترتیب در ضمن مباحث، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- امنیت قضایی

در سیاست‌های کلی قضایی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام^۳ به چند موضوع مهم مرتبط با حقوق بزه‌دیدگان توجه شده است. در تبصره ۲ سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش امنیت قضایی آمده است: «رسیدگی مؤثر ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات». حق دادخواهی همه آحاد ملت صرف نظر از نژاد، مذهب و جنسیت و فارغ از هرگونه تبعیض و نابرابری، از سیاست‌های کلی درباره دادخواهان به ویژه بزه‌دیدگان می‌باشد. حق دادخواهی در اصل ۳۴ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس نمی‌تواند از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کند.» در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مصوب ۱۳۸۲/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام آمده است: «... در چشم‌انداز بیست ساله: ... بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی... یکی از مهم‌ترین جلوه‌های امنیت قضایی که در سایر اسناد بالادستی نظام نیز به آن تصریح شده، توجه به حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان در «دادخواهی» است. یکی از موضوعات مهم در دادخواهی، دسترسی سریع و آسان بزه‌دیدگان به نهادهای عدالت کیفری است. در بند ۱۱ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله مورخ ۱۳۸۸/۹/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، آمده است: «اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش فرآیند دادرسی و دستیابی سریع و آسان مردم به حقوق خود و بهره‌مندی از حقوق شهروندی در مراجع قضایی.» شناسایی حق دادخواهی، مستلزم دسترسی آسان و سریع به نهادهای عدالت کیفری

۱- از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۵/۶/۱۳، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۵۲ مصوبه در خصوص تعیین سیاست‌های کلی نظام درباره برنامه‌های پنج ساله، انرژی، منابع طبیعی، اقوام، مشارکت، مسکن، شهرسازی و ... داشته است. هیچ‌کدام از مصوبات مستقلاً به بزه‌دیدگان اختصاص ندارد. ولی در برخی مصوبات حقوق بزه‌دیدگان یا کاهش بزه‌دیدگی یا قربانیان سوانح طبیعی مورد اشاره قرار گرفته است که در متن مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در روزنامه رسمی شماره ۲۰۹۹۵ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۱ منتشر گردید.

۳- سیاست‌های کلی قضایی، در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ به تصویب رهبری رسید و در روزنامه رسمی شماره ۱۷۰۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ منتشر گردید. متعاقباً همان متن با عنوان سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵ منتشر گردید.

اعم از پلیس، دادسرا، دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور است. بزه‌دیده باید بتواند در کوتاه‌ترین زمان و کمترین فاصله مکانی، شکایت خویش را مطرح و آن‌ها را پی‌گیری نماید و از امنیت لازم در این راستا نیز برخوردار باشد. در همین راستا سرعت در مراحل رسیدگی و احقاق حق باید مورد توجه قرار گیرد. به همین جهت در ادامه تبصره ۲ مصوبه مذکور آمده است: «کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب». یکی از ابزارهای مناسب جهت احقاق حقوق بزه‌دیده، استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی‌گیری بزه‌دیده و بزه‌کار است. این موضوع به عنوان سیاست کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۱۹ مصوبه امنیت قضایی آمده است: «استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی».

هم‌چنین در بند ۱۰ سیاست کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ شده مورخ ۱۳۸۸/۹/۲ آمده است: «تمهیدات لازم برای فراگیر کردن نهاد داوری»، یکی از جلوه‌های داوری در قلمرو حقوق کیفری، میانجی‌گری بزه‌دیده، بزه‌کار است. گسترش استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی‌گری، متعاقب تصویب اصول پایه در به‌کارگیری از برنامه‌های عدالت ترمیمی در قلمرو کیفری مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۳ مورد توجه قانون‌گذاران ملی قرار گرفت.^۱ در ایران، نیز خوشبختانه در سیاست‌های کلی نظام در بند ۱۹ مصوبه امنیت قضایی پیش‌بینی گردید. در راستای تحقق بند یاد شده، قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) ارجاع به میانجی‌گر، جهت صلح و سازش بین متهم و بزه‌دیده را پیش‌بینی نمود. براساس ماده ۸۲ قانون یاد شده: «... مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد...»^۲

استفاده از ظرفیت جامعه مدنی و نهادهای مردم نهاد از مهم‌ترین تحولات در سیاستگذاری جنایی محسوب می‌شود. براساس بند ۳ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری (مصوب ۱۳۹۴/۹/۸) رئیس قوه قضائیه:^۳ «فرآیند میانجی‌گری: مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجی‌گر و با حضور بزه‌دیده و متهم و در صورت ضرورت سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آنها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذی‌ربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد، برای حل و فصل اختلاف کیفری با

1- Basic Principles on the use of restorative Justice programmes in Criminal matters the Economic and Social Council, 12/2003.

برای آگاهی از سند یاد شده رک.

شیری، عباس: عدالت ترمیمی، منبع قبلی، در ص ۵۲۱ نمایه موضوعی مراجعه به شرح تک تک مواد درج گردیده است.
۲- براساس تبصره ماده یاد شده: «بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجی‌گری را از دادستان تقاضا نماید.»
۳- در اجرای ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن «آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری» به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. براساس ماده یک آیین‌نامه مذکور: «الف - میانجی‌گری: فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.»

یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقت‌نامه‌ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود.»

۲- حق جبران

سیاستگذاری جنایی، تمایل زیادی در به رسمیت شناختن حقوق بزهدیده برای جبران خسارت پیدا نموده است. شناسایی حق غرامت برای بزهدیدگان، بارزترین مشخصه سیاستگذاری جنایی بزهدیده محور است. «دهه ۱۹۶۰، شاهد مجموعه‌ای از روندهای قانون‌گذاری در سطح بین‌المللی بود تا غرامت‌های پولی برای بزهدیدگان جرم به ویژه بزهدیدگان جرایم خشن، فراهم آید.» (برجس و دیگران، ص ۱۳۴، ۱۳۹۵). اوج این تحولات را باید در سال ۱۹۸۵ با تصویب بیانیه اصول پایه در مورد عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت دانست. طبق ماده ۴ این بیانیه: «با بزهدیدگان باید با احساس هم‌دردی و احترام به حیثیت ذاتی رفتار شود. آن‌ها محق به دسترسی به سازوکار قضایی مناسبی بر مبنای مصوبات قانون‌گذار ملی، به‌منظور جبران فوری خسارت‌های آسیب‌های وارده خواهند بود.»

در همین راستا متعاقب توصیه بیانیه یاد شده، قوانین ملی در بسیاری از کشورها، راه‌کارهای حقوقی مناسبی را برای جبران آسیب‌های مادی و معنوی وارد به بزهدیده پیش‌بینی نمودند. حق جبران آسیب‌های مادی و معنوی ناشی از جرم، برای بزهدیدگان در قوانین جزایی ایران به رسمیت شناخته است. جبران این آسیب‌ها به عنوان شرط برخورداری از قواعد ارفاق آمیز در موارد مختلف پیش‌بینی شده است.^۱ به جهت جبران آسیب‌های ناشی از جرم به ویژه در مورد دیه محکومان و سایر افرادی که قادر به پرداخت دیون خود نیستند،^۲ در قوانین بودجه سالانه، ردیف خاصی در نظر گرفته شده و در اختیار وزارت دادگستری قرار می‌گیرد.

تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۹۷ در این باره مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین کسری اعتبارات دیه محکومان معسر با اولویت زنان معسر و مواردی که پرداخت خسارات بر عهده بیت‌المال یا

۱- مثلاً یکی از جهات تخفیف در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) را: «کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن» عنوان نموده است. در ماده ۴۰ قانون یاد شده نیز امکان تعویق صدور حکم در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت را به شرط: «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران» پیش‌بینی نموده است. عدم تأثیر تعلیق اجرای مجازات درباره حق بزهدیده را در ماده ۵۱ همان قانون پیش‌بینی نموده است. ماده ۵۶ همان قانون، گذشت شاکی را در شرط برخورداری از نظام نیمه‌آزادی عنوان نموده است. همچنین بر جبران خسارت وارد بر بزهدیده تأکید نموده است.

در بند پ ماده ۵۸ همان قانون درباره آزادی مشروط مقرر داشته است: «به تشخیص دادگاه محکوم تا آن‌جا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا فراری برای پرداخت آن ترتیب دهد». درباره مجازات‌های جایگزین حبس نیز ماده ۶۴ همان قانون شرط گذشت شاکی را عنوان نموده است. ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نیز در خصوص مرور زمان مقرر می‌دارد: «موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوی خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.»

۲- قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور در جلسه ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷ طی نامه شماره ۱۶۸۹۴۵ توسط ریاست جمهوری ابلاغ گردید.

دولت باشد، وزیر دادگستری مجاز است با تصویب هیئت نظارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی حداکثر تا سه هزار و پانصد میلیارد (۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از منابع درآمد سالانه موضوع بندهای (ت) و (ج) ماده (۲۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ را از محل اعتبارات ردیف ۲-۱۱۰۰۰۰ جدول شماره (۷) این قانون دریافت و هزینه کند...» در این خصوص سیاستگذاری جنایی خاصی صورت نگرفته است، بلکه صرفاً یک ردیف بودجه برای پرداخت دیه از بیت‌المال در نظر گرفته است. هرچند این اشکال در اکثر موارد تخصیص بودجه در ایران^۱ وجود دارد، ولی در خصوص بزهدیدگان به سیاستگذاری جنایی جامع‌تری در خصوص جبران آسیب‌های ناشی از جرم، (نظیر تأسیس صندوق‌های حمایت از بزهدیده یا سایر موارد بزهدیدگی غیر از جنایات) وجود دارد. سیاستگذاری‌های جنایی در ایران، اصل را بر جبران خسارت بزهدیده قرار داده است.^۲

بزهکار، مسئول مستقیم آسیب‌های وارده به بزهدیده شناخته می‌شود و باید به نحو مطلوبی نسبت به جبران آسیب‌های مادی و معنوی اقدام نماید. بزهدیده در وضعیت مناسبی قرار داشته و بزه، به موقعیت او آسیب وارد کرده است. پرداخت خسارت و جبران، می‌تواند به نحو مؤثری به بازگرداندن بزهدیده به وضعیت قبل از بزهدیدگی کمک کند. «فرآیند جبران خسارت باید در بزهکار حسّ درستی از آسیبی که به دیگران وارد کرده است، ایجاد کند.

جبران مالی می‌تواند موجب نوعی احساس تطهیر در بزهکار شود، نوعی فرآیند بازپرداخت تصفیه‌کننده که ممکن است مانع از بروز پیامدهای خطاکار شود.» (Geis, p. 147, 1977) ممکن است، بزهکار شناسایی نشود یا در صورت شناسایی توانایی پرداخت خسارت‌های وارده را نداشته باشد، در این صورت باید راه‌کارهایی مناسب برای جبران توسط دولت و نهادهای عمومی پیش‌بینی شود. مثلاً طبق ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «هرگاه در جنایت عمدی، به علت فوت مرگ یا قرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد یا درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد... دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود.» در ماده ۴۸۴ همان قانون آمده است: «در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل ... دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود...» و مطابق ماده ۴۸۷ قانون یاد شده، اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. پرداخت دیه از بیت‌المال در جنایات عمدی نیز در ماده ۴۷۴ همان قانون پیش‌بینی شده است.

۱- «آنچه که به نام بودجه و برنامه‌ریزی در ایران انجام می‌شود، بیشتر تخصیص بودجه جاری کشور و هزینه‌های نگهداری سازمان‌های دولتی و پرسنل آنها می‌باشد و نه تدوین سیاست‌هایی که بتوان بر اساس آن برنامه‌ریزی عملیاتی پرداخت.» (اشتریان، ص ۸۷، ۱۳۹۶).

۲- مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.»

نتیجه‌گیری

تدوین سیاستگذاری جنایی از نیازهای ضروری در کشور است. هرچند در مصوبات مربوطه در ارتباط با پدیده بزهکاری و بزه‌دیدگی، مواردی مشاهده می‌شود ولی گستره بزه و آسیب‌های اجتماعی و ارتباط آن با سایر وظایف و اختیارات نظام در قلمروی اقتصاد، صنعت، سیاست خارجی، امنیت و ... تدوین سیاست مستقل را ضروری می‌سازد. یکی از اشکالات جدی سیاستگذاری عمومی در ایران، فقدان سازماندهی سیاست‌های گوناگون به جهت تعدد مراکز تصمیم‌گیری است. مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، نیروهای مسلح و ... هر کدام به نوعی در امر سیاستگذاری‌های جنایی ذخیل هستند.

«امر هماهنگی و سامان‌دهی سیاست‌های گوناگون بسیار پیچیده و طاقت فرسا بوده و این احتمال را پدید می‌آورد که هیچگاه این سیاست‌ها در یک مجموعه هماهنگ انسجام نیابند، از این رو، تحقق وحدت سیاستگذاری عمومی در ایران از طریق ساز و کارهای نهادینه شده و تحت هنجارهای وحدت‌زا، ضروری است.» (اشتریان، ص ۹۱، ۱۳۹۶)

همین اشکال در تمامی حوزه‌های سیاستگذاری از جمله سیاستگذاری جنایی وجود دارد. در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ.ش. مصوب ۱۳/۸/۱۳۸۲، قوانین سالانه بودجه، از جمله قانون بودجه سال ۱۳۹۷ و سایر اسناد مرتبط، توجه کافی به حقوق بزه‌دیدگان مبذول نشده است. فقط در خصوص حق دادخواهی (که قبلاً هم در اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده بود) و پرداخت خسارت از بیت‌المال (در موارد معدود)، سیاستگذاری صورت گرفته و در سایر موضوعات مرتبط، موردی ذکر نشده است.

شناسایی همه حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان و سایر قربانیان حوادث طبیعی یا رفتارهای غیرمجرمانه، ضروری است. تحقق اهداف مورد نظر در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز، مستلزم توجه به حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان است.

به ویژه در مورد جبران آسیب‌های ناشی از جرم باید به غیر از جنایات، در سایر جرایم نیز، تمهیداتی جهت جبران آسیب‌های وارده، سیاستگذاری شود. در جرایم مالی، یا جرایم غیرعمدی نظیر آتش‌سوزی و غیره هم بزه‌دیدگان نیازمند جبران آسیب‌ها هستند که در صورت عدم جبران، بزه‌دیدگی آن‌ها تشدید می‌شود و ممکن است حتی به بزهکاری در آینده تبدیل شوند.

منابع

الف-فارسی

- ۱- آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری (مصوب ۱۳۹۴/۹/۸).
- ۲- اشترینان: کیومرث: سیاستگذاری عمومی ایران، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۶، نشر میزان.
- ۳- ایروانیان، امیر: نظریه عمومی سیاستگذاری جنایی، با مقدمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ اول، ۱۳۹۲، انتشارات شهردانش.
- ۴- برجس، آن ولبرت - رگر، چریل - رابرتس، آلبرت آن: بزه‌دیده شناسی؛ نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، نشر میزان.
- ۵- درنر، جی، ویلیام: بزه‌دیده شناسی، ترجمه دکتر عباس شیری، صص ۱۴۰۸ تا ۱۴۱۸ مندرج در دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیش‌گیری از جرم، جلد دوم، مرکز تحقیقات پیش‌گیری از جرم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- ۶- دلماس - مارتی، می‌ری: نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، ۱۳۹۵، نشر میزان.
- ۷- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش. مصوب ۱۳۸۲/۸/۳.
- ۸- سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ که در روزنامه رسمی شماره ۱۷۰۱۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ منتشر گردید. متعاقباً همان متن با عنوان سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵ منتشر گردید.
- ۹- سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله ابلاغی مورخ ۱۳۸۸/۹/۲ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۰- شیری، عباس: رفتار کرامت مدار با بزه‌دیدگان، دادخواهی، مندرج در فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۷ تا ۵۸.
- ۱۱- شیری، عباس: سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، صص ۱۱۲ تا ۱۲۵، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲.
- ۱۲- شیری، عباس: عدالت ترمیمی، چاپ اول، بهار ۱۳۹۶، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۳- غلامی، حسین: درآمدی بر آسیب‌شناسی سیاستگذاری جنایی، در قبال پیش‌گیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی در ایران، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره یک، بهار - تابستان ۱۳۹۰.
- ۱۴- عزت: «از سیاست مبارزه بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده» (ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنایی کنونی)، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی - سوسن خطاطان، مجله قضایی - حقوقی دادگستری، سال اول، شماره سوم، بهار ۷۱، صص ۸۵ تا ۱۱۲.
- ۱۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه‌های بعدی.
- ۱۶- قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰.
- ۱۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۸- کانت، امانوئل: فلسفه حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰، تهران.
- ۱۹- لازرژ، کریستین: درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، ۱۳۹۶، بنیاد حقوقی میزان.
- ۲۰- ملک محمدی، حمیدرضا: سیاستگذاری عمومی، نشر میزان، تابستان ۱۳۹۷.
- ۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین: «سیاست جنایی»، مندرج در: دانشنامه علوم جنایی، به کوشش دکتر امیرحسین نیازپور، چاپ اول، ۱۳۹۶، نشر میزان.
- ۲۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین: گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، مندرج در کتاب: «حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسان، مجموعه نویسندگان، به کوشش نعمت‌اله الفت، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- ۲۳- وحید، مجید: سیاستگذاری عمومی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۵، نشر میزان.

ب-انگلیسی

- 24- Basic Principles on the use of restorative Justice programmes in Criminal matters the Economic and Social Council, 12/2003.
- 25- Bazemore, Gordon – Walgrave, Lode: Restorative Justice, In Search of Foundamentals and an outline for Systemic Reform, in RESTORATIVE JUVENILE JUSTICE, REPAIRING THE HARM OF YOUTH CRIME PP.45-46,1999.
- 26- Declaration of Basic Principle on Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, 1985, General Assembly resolution 40/34, 29 November 1985.
- 27- Dignan, James: Understanding Victims and Restorative Justice, First Published, Open University Press, 2005, USA.
- 28- Dolinko, David: Restorative Justice, and The Justification of Punishment UTAH, PP.319-392,2003.
- 29- Geis, Gilbert: Restitution by Criminal Offenders: A Summary and overview, in Hudson, J. and Galaway, B (eds) Restitution in Criminal Justice (Lexington MA: Lexington Books). PP. 147 – 164, 1977.
- 30- Guide for POLICY MARKERS, On the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles on Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, UNOPCCP, new York, 1999.
- 31- Zaibert, Loo: Punishment and Retribution, ASHGATE, 2005,2005.

